

# بررسی برنامه درسی کتاب فارسی

محمد سلگی

کارشناس و دبیر زبان و ادبیات فارسی شهرستان نهاوند

## چکیده

هدف پژوهش حاضر این است که مطابقت و مناسبت کتاب فارسی (۱) با برنامه درسی تحلیل شود. برای این کار، نه درس نخست کتاب به عنوان موضوع تحقیق انتخاب شده‌اند. سپس همه این دروس به ترتیب بررسی و نقاط قوت و ضعف هر کدام مشخص شده است. از جمله نکات منفی که به آن اشاره گردیده، نامناسب بودن توضیح آرایه مجاز و جایگاه ارائه آن و همچنین زیبا نبودن متن انتخابی درس هفتم برای فهم آرایه سجع است. در پایان هر بخش نیز راه‌حلی برای برون رفت از مشکل آمده است. در نهایت نتیجه به دست آمده بیانگر این نکته است که با تدریس این کتاب، اهداف گوناگون برنامه درسی تا حد زیادی محقق خواهند شد.

**کلیدواژه‌ها:** فارسی، برنامه درسی، سجع، مجاز

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در نگارش کتاب‌های درسی به آن توجه می‌شود، مطابقت با برنامه درسی است. در تألیف کتب فارسی، انتخاب متون جذاب‌تر و دلنشین‌تر از میان آثار خواندنی ادب پارسی و جهان، سختی کار را دو چندان کرده است

و پیوسته می‌توان به انتخاب‌هایی بهتر و مناسب‌تر دست یافت.

با توجه به اینکه بیشتر از سه سال از چاپ نخست کتاب فارسی دهم نمی‌گذرد و هر سال هم این کتاب با ویرایش و اصلاحاتی روبه‌رو بوده است، هنوز نیز می‌توان آن را از زوایای گوناگون بررسی کرد و به نتایج مطلوبی رسید.

در این مقاله، نه درس بخش اول فارسی دهم که محتوای درسی نیمسال اول سال تحصیلی - مهر تا بهمن - را در برمی‌گیرد، طبق ملاک‌ها و سنججه‌های برنامه درسی، واکاوی و ارزیابی می‌شود.

## فصل اول، ادبیات تعلیمی

در گونه‌شناسی ابتدای فصل، تعریف و توضیح ادبیات تعلیمی چنین آمده است:

«متن‌هایی ... که در آن‌ها شاعر یا نویسنده خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه آندرز، بازگو کند.» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۷: ۱۲) و «اثر تعلیمی اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان

می‌کند» (همان: ۱۲).

خرده مفاهیمی که در برنامه درسی به آن‌ها اشاره شده، «رفتار بدون کبر و غرور، تأمل در طبیعت و درس‌گیری از آفرینش» (دفتر تألیف: ۳۳) است.

متن انتخاب شده برای درس یکم، با اهداف اشاره شده مناسبت و مطابقتی کامل دارد؛ چنانچه ادب پارسی از گونه ادبیات تعلیمی بسیار پُر است و حوزه انتخاب در این مورد، وسعت زیادی دارد. از این رو، مفهوم سرزنش غرور و رسوایی مغرور و اینکه همیشه کسی یا چیزی بالاتر از ما قرار دارد (= دست بالای دست بسیار است)، در ذهن دانش‌آموز کاملاً جای می‌گیرد.

بسامد بالای کلمه «من» (در ادبیات ۳، ۷، ۸، ۹ و ۱۰) پیام مورد نظر را به درستی منعکس می‌کند و همچنین دست معلم را برای پرسش و پاسخ باز می‌گذارد. علاوه بر این، آوردن قطعه شعری از بوستان سعدی در تمرین ۳ قلمرو فکری (ص ۱۶) و مقایسه آن با شعر نیما یوشیج به قدرت درک و تجزیه و تحلیل دانش‌آموز کمک می‌کند.

اما مشکل اصلی درس، در قلمرو ادبی دیده می‌شود که پردازش نادرست یکی از مفاهیم اساسی این فصل است: یادگیری آرایه مجاز

(دفتر تألیف: ۳۳).

آموزش دو آرایه «حس آمیزی» و «مجاز» به طور هم‌زمان در درس نخست به دلایل زیر اشتباه و جایگاه آن بسیار نامناسب است: (۱) دانش‌آموز به تازگی از دوره اول پا به دوره دوم متوسطه گذاشته است و چندی نمی‌گذرد که با تقسیم‌بندی قلمروهای زبانی، ادبی و فکری آشنا می‌شود. تدریس دو آرایه در درس اول دلیلی ندارد. در درس بعدی نیز چنین موردی - تدریس دو آرایه در یک درس - دیده نمی‌شود. (۲) پیش از این تمرین، دانش‌آموز تحلیل کامل ۱۷ بیت را از نظر آرایه، لغت، دستور زبان، املا، مفهوم و محتوا از سر گذرانده و تا حدی خسته است؛ بنابراین، پذیرش ذهنی و جسمی چندانی برای یادگیری دو آرایه را ندارد.

(۳) اگر چه کتاب در توضیح آرایه «حس آمیزی» مناسب عمل کرده، در معرفی آرایه «مجاز» بسیار نامناسب گام برداشته و تعریفی ناقص، ابتر و عام ارائه داده است.

«کلمه‌ای که در معنای غیرحقیقی به کار رفته باشد، مجاز نامیده می‌شود.» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی: ۱۵).

در ادامه دو شاهد شعری آمده است: پشت دیوار آنچه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش بر سر آنم که گر زدست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید (همان: ۱۵ و ۱۶)

آیا واقعاً قرار است دانش‌آموز با همین توضیح کوتاه از همه جوانب این آرایه نسبتاً پیچیده آگاه شود؟ به نظر نگارنده، تفهیم «مجاز» بدون اشاره به علاقه‌های آن، ناممکن است و یادگیری ناقص و غیرعمیقی برای یادگیرنده خواهد داشت.

به تعاریف مختلف مجاز توجه کنید؛ نخست، تعریف استاد جلال‌الدین همایی:

«استعمال لفظ است در غیر معنی اصلی و موضوع له حقیقی، به مناسبتی و آن مناسبت را در اصطلاح فن بدیع، علاقه می‌گویند (همایی، ۱۳۹۱: ۲۷۸) و در ادامه توضیح قرینه مجاز و علاقه مجاز و استعاره. در کتاب «بیان و معانی» اش سیروس

شمیسا «مجاز» خود فصل مستقلی دارد و این گونه تعریف می‌شود.

«در ادبیات مرسوم است که واژه‌ها و جملات را در معنای اصلی به کار نبرند اما اولاً باید قرینه‌ای به دست دهند تا مقصود آنان فهمیده شود و ثانیاً باید بین معنای اولی (حقیقی) و ثانوی (مجازی) لغت، رابطه‌ای وجود داشته باشد. در علم بیان به این رابطه «علاقه» می‌گویند؛ در غیر این صورت هیچ‌گاه نمی‌توان معنی واژه را تغییر داد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۳۳). در ادامه علاقه‌های مجاز مطرح می‌شود.

پس در هر دو تعریف نمونه و البته مستند و

## مشکل عمده‌ای که در برنامه‌ریزی آموزشی برای این کتاب دیده می‌شود، ساعت کم و محدود آن - ۲ ساعت در هفته - است که اگر به ۳ ساعت افزایش یابد. قطعاً بازده بیشتری برای معلم و دانش‌آموز خواهد داشت

معتبر، تکیه بر «علاقه» است که در تعریف کتاب جایی ندارد. پیشنهاد این است که اگر به علاقه مجاز توجهی نمی‌شود. به خود آرایه هم اشاره‌ای نشود یا در فرصتی بهتر با توضیحی بیشتر، آن را برای فراگیرنده تبیین کنیم

چنانچه گفته شود خود معلم توضیحاتی بیفزاید، نارواست؛ چون منجر به انباشت ذهنی دانش‌آموز می‌گردد و او را در آغاز راه به پیچیدگی و واهمه دچار می‌کند. مؤلفان نیز در پیشگفتار به همین مطلب اشاره نموده و دبیران را از انجام دادن آن بر حذر داشته‌اند (ص ۹).

از طرفی هم مشاهده شده است که

دانش‌آموز تا پایان سال در فهم و تشخیص این آرایه پیوسته مشکل و سؤال دارد و به همین علت، ارتباط چندانی هم با آن برقرار نمی‌کند.

بنابراین، به نظر می‌رسد بهترین راه‌حل، جابه‌جایی زمان و درس مربوط به آرایه «مجاز» باشد.

در درس دوم باز هم انتخاب متن و البته صفحه‌آرایی به‌خوبی صورت گرفته است؛ زیرا نوع نثر ساده، حجم درس مختصر و معانی آن کاربردی است و پس از شعری که خوانده و بررسی شده، گزینه خوب و معقولی به‌شمار می‌رود.

نکته مثبت دیگر این است که دانش‌آموز در سال نهم (درس ۶: ۴۸) با بخشی از کتاب قابوس‌نامه آشنا می‌شود و پیش زمینه ذهنی بیشتری برای آموختن دارد. حتی می‌توانیم با گفتن این جملات، مطالبی را یادآوری، و پیش‌فرض‌هایی را برای تدریس درخشان‌تر ارائه کنیم.

«جهد کن که اگر چه اصیل و گوهری باشی، گوهر تن نیز داری که گوهر تن از گوهر اصل بهتر بود؛ چنانکه گفته‌اند: بزرگی، خرد و دانش راست؛ نه گوهر را...» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۴: ۴۸).

## فصل دوم، ادبیات سفر و زندگی

در گونه‌شناسی ابتدای فصل به «سفرنامه» «خاطره‌نگاری» و «زندگی‌نامه» اشاره شده است.

خرده مفاهیمی که برای این بخش نوشته شده، «همراهی در سفر، آداب سفر و دوست‌گزینی» (دفتر تألیف: ۳۳) است.

برای آشنایی نوجوان با آداب نوشتن و دریافتن سفرنامه، قطعاً بهترین گزینه «سفرنامه ناصر خسرو» است. درس سوم که در هر دو کتاب قدیم و نونگاشت وجود دارد، «سفر به بصره» است که با مفاهیم اشاره شده مناسبت کامل دارد. علاوه بر آنکه دانش‌آموز با نثر ساده آن ارتباطی خوب برقرار می‌کند، سرنوشت ناصر خسرو و برادرش را به‌عنوان شخصیت‌های اصلی داستان دنبال می‌کند تا از فرجام کار آن‌ها آگاه شود.

همچنین، این درس با دربرگرفتن «سادگی

وروانی، کوتاهی عبارت‌ها، پرهیز از بافت‌های طولانی» (همان: ۳۳) در ملاک «رعایت ریزمهارت‌های خوانداری و لحن خوانش» (همان: ۳۳) متنی کارآمد است. «گنج حکمت» هم با حکایتی از گلستان، که در سفر اتفاق می‌افتد و نوعی سفرنامه خیالی به حساب می‌آید، مکملی است برای سفرنامه ناصر خسرو، حسن انتخاب این حکایت از این رو برجسته است که هم‌زمان، مفاهیم فصل قبل - ادبیات تعلیمی - هم یادآوری می‌شود. همان‌طور که در گونه‌شناسی فصل اشاره شده، درس پنجم برای آشنایی با «خاطره‌نویسی» است. سهراب‌سپهری در «کلاس نقاشی» با استفاده از کنایات متعدد و گاه هم معنی، ذهن دانش‌آموز را به جنبش درمی‌آورد.

معلم دور نبود. صورتک به رو نداشت، دستی نازک داشت ... (ص ۳۹)  
همچنین با استفاده مکرر از کلمات و جملات تخصصی و عمومی نقاشی و طراحی، به دانش‌آموز می‌آموزد که «به‌کارگیری واژه‌های متناسب با فضای متن» و «بهره‌گیری از واژگان مناسب به فراخور موضوع» باعث «انسجام در بافت متن» (همان: ۳۳) می‌شود و می‌تواند در تأثیرگذاری متن، نقشی مثبت و انکارنشده داشته باشد.

نگار، رنگ، نگارین، نقشه، پیچ و تاب عرفانی اسلیمی، مرغان را گویا می‌کشید، گوزن را رعنا رقم می‌زد، خرگوش را چابک می‌بست، سگ را روان گزیده می‌ریخت، اما در بی‌رنگ، اسب‌پردازی ... (ص ۳۹).

پیشنهاد می‌شود در ادامه سؤال ۱ قلمرو زبانی، این پرسش مطرح شود:

پرسش کتاب: سپهری برای کلمه «نقاشی کردن» از چه معادل‌های معنایی دیگری استفاده کرده است؟

ادامه: استفاده از این کلمات هم‌معنی، چه تأثیری در فضای متن و ذهن مخاطب دارد؟ در روان‌خوانی هم نوع دیگری از خاطره‌نویسی، ولی بدون چاشنی طنز و اتفاقاً با اندکی تلخی، آورده شده است. در همین درس می‌توان با تکیه بر توصیفات آل احمد از نیما، بحث «شخصیت‌پردازی در تولید متن» (همان: ۳۴) را به میان آورد و

در پایان درس از فراگیرندگان خواست که ویژگی‌های ظاهری و رفتاری نیما پوشیخ را بیان کنند؛ مطلب و مبحثی که در نگارش سال یازدهم یک درس به آن اختصاص داده شده است.

### فصل سوم، ادبیات غنایی

«ادبیات غنایی اشعار و متونی است که احساسات، عواطف شخصی، حالات عاشقانه و امید و آرزویی را با زبانی نرم و لطیف بیان می‌کند. در ادبیات فارسی، موضوع‌های غنایی با مفاهیمی همچون عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت، معمولاً در قالب‌های شعری غزل، مثنوی و رباعی و نیز در قالب نثر نوشته می‌شود.» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی: ۵۱).

درس ششم و نخستین مطلب این فصل، غزلی است از حافظ. غزلی که قبلاً در این بخش تدریس می‌شد - گفتیم غم تو دارم - کاملاً عاشقانه بود اما غزلی که در کتاب‌های جدید جایگزین شده، اخلاقی عاشقانه است. مفاهیم «خلق نیکو و وفاداری» و «پایبندی به اخلاق در رفتار» (دفتر تألیف: ۳۵) در این درس دیده می‌شود.

این غزل نسبت به دیگر اشعار حافظ، پیچیدگی کمتری دارد و برای دانش‌آموزان پایه دهم قابل فهم است. عنوان درس - مهر و وفا - و سؤالات قلمرو فکری، دانش‌آموز را در درک مفاهیم اشاره شده یاری می‌کند. یکی دیگر از اهداف این درس، آموزش آرایه «لبهام» است که اشاره‌های کوتاه و البته کافی به آن شده است. برای یادگیری کامل این آرایه، معلم باید مثال‌های زیادی بزند.

درس «گنج حکمت» هم که جزء ادبیات عرفانی است و از کتاب «اسرارالتوحید» اثر محمد بن منور گزیده شده، انسجام موضوعی و محتوایی مناسبی را در کل فصل ایجاد کرده است.

به درس هفتم که آموزش آرایه «سجع» از اهداف آن است، انتقادی جدی وارد است. بهتر نبود برای فهم و درک سجع از نمونه نثرهای گلستان سعدی با مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری استفاده شود؟ مگر نه این است که این دو نویسنده نامدار، مشهورترین مسجع‌نویسان ادب پارسی‌اند؟

پس چرا از کتابی گمنام و کم‌کاربرد - تفسیر سوره یوسف - و نویسنده‌ای گمنام‌تر - احمد بن زید طوسی - متنی انتخاب کنیم که زیبایی ظاهری و لفظی چندانی هم ندارد؟ تکرار مکرر افعال و حذف نشدن آن‌ها به قرینه لفظی از جذابیت و دلنشینی نثر کاسته است و موسیقی آن نیز گوش‌نواز نیست.

درست است که دانش‌آموزان در سال دوازدهم و در درس نخست با دیباچه گلستان آشنا می‌شوند اما چه عیبی دارد که نثرهای بیشتری از سعدی را بررسی کنند یا چرا مناجاتی از خواجه عبدالله انصاری نداشته باشیم همان‌گونه که در آغاز کتاب ادبیات سال دوم نظام قدیم، مناجاتی کوتاه از پیر هرات می‌دیدیم که سجع را به بهترین شکل ممکن به مخاطب تفهیم می‌کرد. حتی دانش‌آموزان ضعیفی که در آن دوران یک بار این متن را خوانده‌اند، هنوز هم جمله‌های مختلف آن را به خاطر دارند، اما خیلی بعید و دور از ذهن است که نثر جناب احمدبن زید، قابلیت ماندگاری داشته باشد، که اگر داشت، نام و نام‌هاش را بیشتر می‌دیدیم و می‌خواندیم. استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در این باره می‌نویسد:

«من معتقدم شعر خوب، از مدرن‌ترین انواعش تا کهن‌ترین اسلوب‌ها، شعری است که وقتی مدتی از انتشارش گذشت، در حافظه خوانندگان جدی شعر، تمام یا بخش‌هایی از آن رسوب کند. این کلمه «مدتی» و «خوانندگان جدی» اندکی نیازمند توضیح است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: نوزده).

این ملاک می‌تواند برای نثرهای مختلف هم قابلیت تعمیم داشته باشد که قطعاً نثرهای سعدی و خواجه عبدالله انصاری دارای این ویژگی‌ها هستند.

شعرخوانی هم نمونه‌ای است از یک غزل عاشقانه درخشان، که خوشبختانه از سعدی انتخاب شده است. این شعر علاوه بر وزن بسیار گوش‌نواز و دلپذیر - مفعول مفاعیلن، مفعول مفاعیلن (مستفعل مفعولن، مستفعل مفعولن) - مفاهیم عمیق و زیبایی را در خود جای داده است و برای به حافظه‌سپاری هم گزینه مناسبی به نظر می‌رسد.

## فصل چهارم، ادبیات پایداری

تعریف ادبیات پایداری (ادب مقاومت): «متن‌هایی که در حقیقت فریاد مظلومیت آزادی‌خواهان را به گوش می‌رساند و خواننده را به ایستادگی، مبارزه و سازش‌ناپذیری در برابر ظلم فرامی‌خواند» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی: ۶۲).

درس هشتم و اولین درس این بخش با عنوان «پاسداری از حقیقت» در گرامی‌داشت مقام امام حسین(ع) و در قالب سپید انتخاب شده است. این شعر دربرگیرنده نکات ارزشمند مفهومی و ادبی است اما روح پایداری با حماسه گره خورده است و اگر شعری حماسی و ترجیحا در قالب کهن انتخاب می‌شد. تأثیرگذاری بیشتری داشت. حتی با توجه به اینکه درس نهم، یک نمونه از ادبیات منظوم کهن است، یک قطعه داستانی می‌توانست جوابگوی اهداف خواسته شده باشد.

صد حیف که داستان حماسی و بسیار زیبای «کلبه عمو تم» از کتاب‌ها حذف شده است. این رمان صاحب نام و جریان آفرین جهان، دانش‌آموز را هم با نمونه‌ای از ادبیات خارجی آشنا می‌کرد و هم او را به اعماق ادب پایداری می‌برد. حتی اگر بخش‌هایی از آن در درس روان‌خوانی قرار می‌گرفت، برای شناخت عمیق‌تر فراگیرنده و انسجام موضوعی فصل، که تا اینجا به خوبی رعایت شده است، مناسب‌تر بود؛ زیرا شعر شاهکار و جاودانه «علی ای همای رحمت» جزء ادبیات پایداری نیست و در حوزه ادب غنایی جای می‌گیرد؛ یعنی می‌شود آن را در جایی دیگر و بهتر به کاربرد تا مانند کتاب قدیم، درسی مستقل با بررسی کامل سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری باشد.

درس نهم شعر درخشان و ماندگار سیف فرغانی است که چند مفهوم از مفاهیم عام سال دهم را شامل می‌شود و با توجه به این موضوع بسیار نیک و به‌جا انتخاب شده است و اهداف مطلوب را به خوبی محقق می‌کند:

خوش‌بختانه آرایه «استعاره» در همین درس پایانی نوبت اول تدریس می‌شود و مثل کتاب قبل نیست که در درس‌های



ساعت افزایش یابد، قطعاً بازده بیشتری برای معلم و دانش‌آموز خواهد داشت. نکته آخر هم اینکه با توجه به عناوین و سرفصل‌های کتاب‌های فارسی ۱ و ۲ و ۳، اگر عنوان این درس به «زبان و ادبیات فارسی» تغییر کند، زیباتر و جامع‌تر خواهد بود.

پایانی کتاب و پایان سال تحصیلی قرار بگیرد؛ زیرا اهمیت فهم استعاره در آشنایی با کل ادبیات، سال‌های یازدهم و دوازدهم و البته کنکور سراسری بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

### نتیجه‌گیری

با بررسی نیمه نخست کتاب می‌توان گفت که در مجموع، حد زیادی از اهداف برنامه درسی (مفاهیم اساسی، مفاهیم عام، قانونمندی‌های زبانی، مهارت‌های زبانی و فرازبانی و چهار مهارت گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) تا این بخش از پارسی (۱) محقق شده است و می‌تواند دانش‌آموز را به سرمنزل مقصود برساند. قطعاً با تصحیح مواردی که در مقاله اشاره شده، کتاب روند صعودی خواهد داشت. تنها مشکل عمده‌ای که در برنامه‌ریزی آموزشی برای این کتاب دیده می‌شود، ساعت کم و محدود آن - ۲ ساعت در هفته - است که اگر به ۳

### منابع

۱. دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، ۱۳۹۷. راهنمای برنامه درسی، حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۷). فارسی (۱) پایه دهم، دوره دوم متوسطه، شاخه نظری. کلیه رشته‌ها. چاپ سوم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۴). فارسی پایه نهم، دوره اول متوسطه. چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۴. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). موسیقی شعر. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه.
۵. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). بیان و معانی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات میترا.
۶. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ سی‌دوم. تهران: مؤسسه نشر هما.